

در دیدار امام جعفر رضویه و مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بیان شد

تأکید بر توجه به فعالیت‌های فرهنگی

حجت الاسلام مهدی امجدی زاده، امام جمعه بخش رضویه مشهد با جعفر مروارید مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان رضوی، دیدار و گفت وگو کرد. در این دیدار امام جمعه بخش رضویه مشهدگفت: فعالیت های فرهنگی بخش رضویه بر محور قرآن تدوین و اجرا می شود. با توجه به خلأ فرهنگی موجود در این بخش نیاز است، فعالیت های فرهنگی هنری در آن توسعه بیشتری یابد.

در این جلسه مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان رضوی، خاطرنشان کرد: کانون های فرهنگی هنری مساجد استان حضور خوبی در حاشیه شهر مشهد دارند، هم اکنون ۲۴ کانون در این بخش فعالیت می کنند و سال گذشته ۱۰۰ میلیون تومان به این کانون ها کمک شده است. امیدواریم با تأسیس کانون های جدید در بخش رضویه، خلأ موجود فرهنگی تا حدودی مرتفع شود.

او همچنین از اهدای کتاب به کتابخانه های این بخش خبر داد.

مروارید همچنین یادآور شد: این اداره کل از طرح مسابقه ۳۰ روز ۳۰ آیه که در ماه مبارک رمضان در این بخش برگزار می شود، حمایت می کند.

تجلیل از هنرمندان جوان استانی

مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان رضوی از برگزیدگان جشنواره ملی موسیقی جوان و جشنواره ملی هنرهای تجسمی جوان تجلیل کرد. مروارید در این مراسم گفت: فرهنگ و هنر این استان، مدیون پیشکسوتانی است که جزو مفاخر این کشورند، اما اکنون مفتخر به جوانان دهه ۷۰ و ۸۰ است که راه پیشکسوتان را تأثیر گذارتر ادامه می دهند.

مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان رضوی با اشاره به جایگاه خراسان رضوی در موسیقی و هنرهای تجسمی گفت: کاروان فرهنگ و هنر به راه خود ادامه می دهد، این وظیفه مدیران را سنگین تر می کند و باید ضمن ایجاد زیر ساخت ها و بستر لازم، پاسخگوی حرکت نو و با طراوت جوانان باشند.

در این جلسه، جواد روشندل سرپرست معاونت هنری و سینمایی اداره کل خاطرنشان کرد: جوانان هنرمند استان در جشنواره ملی موسیقی جوان افتخارآفرینی کردند. ۳۴ نفر از استان در جشنواره ملی موسیقی جوان، حائز رتبه های اول تا سوم و شایسته تقدیر بودند و ۱۱ نفر در جشنواره ملی هنرهای تجسمی، از استان خراسان رضوی برگزیده شدند که یک نفر رتبه نخست در رشته هنرهای جدید را به خود اختصاص داد.

در ادامه جلسه، تندیس جشنواره، لوح تقدیر و هدیه نقدی به ابوالفضل عسگری، رتبه نخست هنرهای جدید، آرین طوفان، عاطفه هاشم زاده، مجید جاودانی، فرید شاهسار، صبا آسایی، محمد...دادی، سلمان سلیمانی، حسین حیدرطلب، رتبه های اول جشنواره ملی موسیقی جوان اهدا شد.

برگزاری نمایشگاه مجازی قرآن از ۱۱ اردیبهشت

مدیر کل دفتر تبلیغ و ترویج معاونت قرآن و عترت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از آغاز به کار نمایشگاه مجازی قرآن کریم از ۱۱ اردیبهشت خبر داد.

به گزارش روابط عمومی معاونت قرآن و عترت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرتضی خدمتکار گفت: نمایشگاه مجازی قرآن کریم به مدت ۱۰ روز از ۱۱ تا ۲۰ اردیبهشت مصادف با هجدهم تا بیست وهفتم ماه رمضان برگزار می شود.

خدمتکار خاطرنشان کرد: بستر این نمایشگاه همچون نمایشگاه مجازی کتاب است که سال گذشته برای اولین بار به دلیل ویروس کرونا از سوی خانه کتاب برگزار شد و در آنجا ناشران ثبت اثر می کردند و بازدیدکنندگان کتاب مورد نظر خود را از انتشاراتی که کتاب را ارائه کرده بود، انتخاب کرده و در سبد خرید قرار می دادند.

روایت اصلائی در برنامه سحرگاهی رمضان



فرهاد اصلانی روایت آیتم نمایشی برنامه زنده «خدا اجازه ؟...» ویژه برنامه سحرهای ماه مبارک رمضان رادیو جوان را بر عهده دارد. به گزارش روابط عمومی رادیو جوان، عباس پیری تهیه کننده ویژه برنامه سحرهای ماه رمضان گفت: برنامه زنده «خدا اجازه...؟» ویژه برنامه سحرهای ماه مبارک رمضان رادیو جوان است که از ساعت ۳:۳۰ تا ۵:۳۰ بامداد زنده و با اجرای فاطمه عباسی و روایت فرهاد اصلانی روی آنتن می رود.

او خاطرنشان کرد: یکی از بخش های جذاب برنامه، آیتم نمایشی با روایت فرهاد اصلانی است که داستان جوانی را بیان می کند که درون چاهی سقوط کرده و ماجراهای مختلفی برایش رقم می خورد.

پیری، گفت وگو با رزمندگان در باره خاطرات شیرین سحرهای دفاع مقدس را یکی دیگر از قسمت های شنیدنی برنامه دانست. برنامه زنده «خدا اجازه» ویژه برنامه سحرهای ماه مبارک رمضان رادیو جوان است که به مدت ۳۰ شب ساعت ۳:۳۰ تا ۵:۳۰ بامداد از موج ۸۸MHz FMتقدیم شنوندگان می شود.

سمیرا شاهیان

s.shahian@shahraranews.ir

نخستین روز از فروردین در آغاز سده ۱۳۰۰ دختری در خانواده آریان معتبر، دیده به جهان باز می کند که سال ها بعد همچون نامش، قمری کم نظیر در عرصه علم می شود. قوچان زادگاه او می شود. شهرستانی به دور از داشته های فعلی که وقتی قمر آریان به سن مدرسه رفتن می رسد هنوز آموزشگاه دخترانه نداشته است. آریان پدر که از مردان معتبر شهر و زمانه اش بوده مدرسه ای دخترانه تأسیس و مدیریت آن را به یکی از زنان باسواد واگذار می کند. قمر بعد از پایان شش کلاس ابتدایی، در خانه می ماند و سه سال تحصیلی را با معلم سرخانه، یک ساله آموزش می بیند.

شرکت در آزمون کلاس نهم بهانه سفر قمر و خواهرش می شود و خواهران آریان به اتفاق به مشهد می آیند. قمر دو سال در دانشسرای مقدماتی دختران مشهد می ماند و هم زمان با تدریس به تحصیل در کلاس ششم ادبی در همین دانشسرا مشغول می شود، اما امتحانات کلاس ششم ادبی و علمی که در تهران برگزار می شد، او را راهی تهران می کند. قمر بعد از مهاجرت به تهران در مصاحبه ای گفته بود: سال ۱۳۲۴ برای اولین و آخرین بار قرار شد که کلاس ششمی ها در تهران امتحان بدهند و به همین دلیل من هم مجبور شدم که بیایم به تهران.

بعد از امتحان با یک نامه از پدرم اجازه خواستم در تهران بمانم، که قبول کرد و من هم به برادرانم پیوستم که یکی پزشکی می خواند و یکی فیزیک، رشته ای که من انتخاب کردم، اما، ادبیات بود.

آریان در سال ۱۳۲۷ از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران لیسانس زبان و ادبیات فارسی می گیرد و دل به جاده دل انگیز علم و زندگی می سپارد.

پیوند زمینی در آسمان ادبی

قمر آریان در سال های حضورش در دانشکده با یکی از نوابغ ادبی آشنا می شود که بعدها «پله پله تا ملاقات خدا» را می نگارد و بیش از پنجاه اثر مکتوب از خود به جای می گذارد: من در دانشکده ادبیات فارسی با دکتر زرین کوب آشنا شدم. ایشان سال پیش از آن هم به دانشگاه آمده بود، اما دوباره برگشته بود. چون آن زمان قوای متحدین در ایران بودند و شهر خیلی شلوغ بود. ما هر دو آن سال اسم نوشته بودیم. او شاگرد فوق العاده ای بود. من هم شاگرد نسبتا خوبی بودم. من در درس هایم از او کمک می گرفتم. در بیشتر دروس ما با هم همکلاس بودیم حتی در دوره دکتری. سال ۱۳۳۲ آریان شاگرد دوم و زرین کوب شاگرد اول دوره دکتری با هم ازدواج می کنند و تحصیلات خود در مقطع دکترا را ادامه می دهند. دکتر آریان چند سال

پرونده‌ای درباره قمر آریان، نویسنده و پژوهشگر فقید خراسانی و همسر استاد عبدالحسین زرین کوب، به مناسبت سالروز درگذشت او

دو نیمه قمر؛ ادبیات و عشق

بعد از مرگ استاد در مصاحبه ای می گوید: آشنایی ما در فضای دانشکده نزدیک به ۹سال طول کشید تا آنکه سرانجام عبدالحسین زرین کوب سی ساله از من خواستگاری کرد.

احمد رسا، پزشک قدیمی که بیش از ۶۰ سال با خانواده های زرین کوب و آریان ارتباط داشته، درباره نخستین دیدار خصوصی زرین کوب با آریان که چندی بعد به پیوند ازدواج این دو منتهی شد، می گوید: در دهه ۳۰ خورشیدی قمر خانم به همراه خواهرش شمسی خانم تازه آمده بودند حشمت آباد و خانه ای اجاره کرده بودند. یک روز به منزل خانم آریان رفته بودم تا او را معاینه کنم، اما ناگهان طبیب واقعی از راه رسید! در خانه شان به صدا درآمد. من رفتم در را باز کردم و دیدم جوانکی سیه چرده پشت در ایستاده است و می گوید که می خواهد خانم آریان را ببیند. از او پرسیدم شما؟ گفت من عبدالحسین زرین کوب هستم.

به قمر خانم خبر دادم جوانکی آمده می گوید نامش زرین کوب است و می خواهد شما را ببیند....

رسا تعریف می کند این موضوع در زمان تعطیلی دانشگاه بود و دیدارشان چند ساعتی طول کشید و ما هم فکر می کردیم درباره مسائل مربوط به زبان فارسی با همدیگر صحبت می کنند. بعد از آن دیدار خانم آریان به مشهد رفت و دو، سه روز آنجا ماند و حالش خوب شد. گویا دکتر زرین کوب هم به مشهد رفته بود و همان جا، این دو باهم عقد کردند.

قمر همسفر خوبی برای همسرش می شود؛ هم در زندگی و هم در سفرهایش. او درباره سفر به مشهد و واکنش پدرش به خواستگاری زرین کوب می گوید: زمانی دیدم که خیلی به او احتیاج دارم، برای اینکه هزار مسئله بود که من می خواستم بدانم و تنها او می دانست. وقتی از من خواستگاری کرد، قبول کردم و همراه با هم به مشهد پیش پدرمادم رفتم. وقتی به پدرم گفتم آقای عبدالحسین زرین کوب که اهل علم و مطالعه است از من چنین خواهشی کرده، پدرم گفت: من مقالات ایشان را خوانده ام.ایشان باید پیرمرد باشد. گفتم: ایشان فقط ۳۰سالشان است. پدرم گفت: نویسنده این مقاله ها پخته تر از آن است که ایشان نشان می دهند. همه این را می گفتند.

«عبدی» راقط از من می شنید

قمر مثل همسر فقیدش خاطرات روزانه اش را زیر قلم می برد. او «روایت یک شاهد عینی» را بعدها منتشر می کند: اوّل بار که در خانه مان خواستم او را با یک نام خودمانی خطاب کنم، «عبدی» به زبانم آمد بکشد. آن وقت ها برای پایان نامه موعد تعیین نمی کردند و این قدر قضیه را ساده نمی گرفتند. من هم حسابی روی رساله ام کار کردم. آن زمان که رساله را نوشتم، در ایران مرسوم نبود که درباره دیگر ادیان تحقیق شود. یادم می آید همان موقع دکتر

نام یکسان جواب می داد و رفته رفته نام او در زبان من «عبدی» نشست. کسی از نزدیکانش هم این نام را طرز یا شوخی تفسیر نکرد، اما دوستان، مهدتی صبحی که به خانه ما رفت و آمد بیشتری داشت یک بار از روی طنز به من گفت:

عبدی یعنی چه؟ بگو ارباب!

به گفته قمر خانم «زرین کوب»، عبدالحسین نام صمیمی ای که همسرش او را با آن می خواند فقط از یک نفر می شنید؛ قمر آریان. عبدالحسین از جانب همدرس های سابق یا دوستان همکارش «عبدالحسین خان» هم خطاب می شد، اما این نام به نظرش جالب تر نمی آمد.

طولانی شدن پایان نامه با ازدواج

دکتر قمر آریان درباره چگونگی نوشتن رساله دکتری اش که یکی از نخستین پژوهش های فارسی درباره مسیحیت است، می گوید: ازدواج ما در دوره دکترا باعث شد که پایان نامه من هفت سال طول بکشد. آن وقت ها برای پایان نامه موعد تعیین نمی کردند و این قدر قضیه را ساده نمی گرفتند. من هم حسابی روی رساله ام کار کردم. آن زمان که رساله را نوشتم، در ایران مرسوم نبود که درباره دیگر ادیان تحقیق شود. یادم می آید همان موقع دکتر

زرین کوب یک سال با یونسکو کار داشت و ما به پاریس مراجعه کردیم. منزل ما آن زمان نزدیک دفتر یونسکو بود و در آنجا کتابخانه ای کامل وجود داشت. من در آنجا منابع بسیاری را راجع به مسیحیت پیدا و رساله ام را کامل کردم.

حضور در محاکمه انسانیّت

از بخش های مهم زندگی قمر آریان که اوایل شروع زندگی مشترک، برایش به یادماندنی و یگانه می شود حضور در جلسه محاکمه دکتر محمد مصدق است. این فرصت باعث می شود تصویر رهبر ملی شدن صنعت نفت تا همیشه در ذهن او جاودانه شود. آریان در گفت وگویی در سال های آخر حیاتش این دادگاه را عرصه «محاکمه انسانیت در برابر رذالت و خیانت» می داند و از ایستادگی مصدق در برابر دادگاه و افشای صریح خیانت های که حکومت وقت به کار سر پوش بر آن ها مشغول بوده، سخن می گوید.

دیدار قمر با «نیما»

قمر آریان که از جوانی به شعر و شاعری نیز علاقه نشان می داد و آثاری در این عرصه از خود بر جای گذاشته است، در ۲۲سالگی نیما یوشیج را ملاقات می کند. دیداری که خاطره اش را اینچنین روایت می کند: «عاشق شعر بودم و البته خودم هم در

جوانی شعر می گفتم. خیلی کارها و اشعار نیما را دوست داشتم و هر بار که «سیمرغ» او را می خواندم یا «افسانه» را، خیلی لذت می بردم. به خصوص اینکه او برای اولین بار شعر را از قید و بند قافیه آزاد کرده بود. بنابراین دلم می خواست این مرد را ببینم. در یک مراسمی متوجه شدم که نیما حضور می خواست شما را از نزدیک ببینم.»

درد، قورا آلودم و فریاد زدم آقا شما نیما هستی؟ نیما گفت: بله خانم، مگر من داخل آدم ها نیستم که این طور مرصدا می کنید. گفتم البته که هستید. شما بهترین شاعری هستید که من می شناسم، فقط خیلی دلم می خواست شما را از نزدیک ببینم.» دکتر آریان در طول دوران حیات خود، مقالات، اشعار و ترجمه های متعددی در مجلات چاپ تهران از جمله یغما، سخن، مهرگان، مروارید و راهنمای کتاب به چاپ می رساند و یک دوره یک ساله «راهنمای کتاب» را سردبیری می کند. او از نخستین زنان دانش آموخته دانشگاه تهران است و جزو نخستین استادان زن دانشگاه در ایران هم می شود. آریان به غیر از تحقیق و ترجمه و سرودن دوبیتی لابه لای سفرهایش، سال ها در دانشگاه ملی سابق (دانشگاه شهید بهشتی اکنون) ادبیات قبل و بعد از اسلام تدریس می کند که تا بعد از انقلاب ادامه می یابد، اما به دلیل ناسازگاری با

طرح: آنوسا عالی شهرآرا

دکتر محمد جعفر یاحقی:

زرین کوب با «آریان»، زرین کوب شد

اهل علم بودند. رساله دکترای آریان درباره مسیحیت در ادبیات فارسی به راهنمایی استاد بدیع الزمان فروزانفر، یکی از درخشان ترین رساله های دکتری در تاریخ دانشکده ادبیات دانشگاه تهران است. آن هم در زمانی که پای خانم ها به دوره های دکتری باز نشده بود.

زنده یاد آریان و سیمین دانشور جزو نخستین دکترهای ادبیات فارسی ایران هستند و کتاب «چهره مسیح در ادب فارسی» بهترین تألیف در مورد تأثیر مسیحیت در ادبیات فارسی است.

یاحقی یادآوری می کند: خانم آریان که کتاب «کمال الدین بهزاد» از آثار اوست دستی در هنر هم داشت. یک دوره رئیس هنرستان هنرهای تجسمی بود؛ جایی که در آن بسیاری از چهره های مطرح هنر معاصر ایران همچون مسعود عربشاهی، صادق تیریزی و... درس خوانده اند. همچنین شش سال در هنرستان عالی موسیقی تدریس کرد.

مرحوم زرین کوب قرار بود کتابی درمورد عطار بنویسد از همین رو با خانم آریان به مشهد آمده بودند. من در منزل میزبانان بودم و استاد زرین کوب می گفت باید به شهر عطار بروم و سلوک عطار در فضای نیشابور، جایی که تنفس کرده را نفس بکشم تا بعد بتوانم درباره عطار بنویسم. بنابراین بخشی از توفیقات و تألیفات زرین کوب در سایه حمایت خانم آریان محقق شده است. اگر زرین کوب، زرین کوب است به اعتبار این است که پشت سر او قمر آریان بود. خیلی مهم است

که انسان با همسرش در کار علمی تفاهم داشته باشد.

اما بعد دیگری می می خواهم به توصیف مرحوم آریان اختصاص دهم، چهره علمی ایشان است؛ او و خانواده اش

منزل آن ها در آثار نمایان های بهجت آباد رفت و آمد داشتیم. زندگی صمیمانه ایشان با شادروان زرین کوب و محیط آرامی که برای پیشبرد کارهایشان ایجاد کرده بودند را می دیدم. گاهی که تلفن می کردم تا با استاد زرین کوب صحبت کنم، خانم آریان می گفت «عبدی، در کتابخانه هستند» و این لحنش

همراهی خانم آریان با زرین کوب سبب می شد او به کارهای بیشتری برسد و خیلی از توفیقاتش ناشی از همراهی خانم آریان بود که من نمونه هایی را از نزدیک شاهد بودم



همیشگی بود.

مدیر قطب علمی فردوسی شناسی یادآوری می کند که؛ خانم آریان در سفرهای علمی، تکیه گاه زرین کوب بود به یاد می آورم در اوایل دهه ۷۰